

آریانا

سال هشتم

اول نور ۱۳۲۹

شماره چهارم

اسناد خطی شهر غلغله

فال نامه

(۴)

مناجات کن فیکون : در مقاله گذشته در فهرست مندرجات فال نامه تحت عنوان :
مناجات کن فیکون از صفحه ۷۹ تا صفحه ۱۱۰ را جدا کرده بودیم صفحه ۱۱۰ همان
صفحه ایست که فراریسکه دیدیم کاتبی بنام (دولتشاه) کتابت تسبیحهارا بتاریخ ماه
ذیقعد سنه احدی عشر و ستمايه (۶۱۱ هجری قمری) تمام کرده است . در اثر تکرار
مطالعه و ورق گردانی دقیق تو کتاب خوشبختانه تحت عنوان و مناجات کن فیکون فی جمیع
الاحوال ، راجع به صحت اسم کتاب فوق الذکر و اسم پدر وجد و مسقط الراس در قید
سنه دیگر معلومات موثق بدست آمد و جمله نئی که بعلم نداشتن نقطه ما را در خواندن صحیح
اسم کتاب و پدرش و مسقط الراس او در تردد گذاشته بود حل شد و حدس ما بطواب
بر آمد این چند سطر صفحه ۷۹ فرار آتکلی بنی است : **کتاب صلوات و تعجبات و تسبیحات**
از موده همه مهمات را که بزرگان بیوسته بکار داشته اند و مراد های ایشان بر آمدست
صاحبه دولتشاه بن حبشی بن محمد معروف **تولکی بتاریخ الجادی والعشر سنه ست و ستمايه** ،
بدین ترتیب حالا دیگر شبهه نئی نداریم که کتاب این مناجات شخصی بوده موسوم
به دولتشاه بن حبشی بن محمد که بنام مسقط الراس خود **تولک** که بگمان غالب همان **تولک**
از توابع هرات است به (تولکی) شهرت داشته باشد و فراریسکه خود تذکر میدهد
صاحب کتاب مناجات مذکور بوده از روی کلمه (صاحب) گفته نمیتوانیم که او ارق
مجلد فال نامه یا افلا قسمت اول آن که کتاب مناجات شامل آنست متعلق به او بوده یا خیر .
میان دو سنه نئی که در آغاز و آخر مناجات تحریر است پنج سال فرق است زیرا اولی سنه
(ست و ستمايه) و دومی (احدی عشر و ستمايه) میباشد و واضح است که نوشتن (۳۵)
صفحه پنج سال وقت نیکرفته است و از آغاز تا انجام برای کاتب مشاغل دیگر پیش
شده است .

نمونه چهارم نیز : به سلسله نمونه های نیز قسمت اول کتاب فال نامه اینک از صفحه
۸۰ و ۸۱ شرحی را که ببحث مقدمه بر مناجات کن فیکون نوشته شده است
اقتباس میکنیم :

« این مناجات است که علما و ائمه دین و بزرگواران و خواجگان و اهل طریقت بیرون آورده اند از جهت جملة مهمات مسلمانان و این مناجات را مناجات کن فیکن خوانند زیرا چه باجابت نزدیک است و اسامی مردان حقیقت و ملکات و فرمان روا و پادشاهان گرد آلود درین مناجات در آورده اند تا اگر مسلمانان بمهمی فرود ماند و چاره کار خود نداند و بیچاره گردد بدین مناجات تولا کند باعتقاد پاک و نیت صادق بخواند این بزرگان را بکرم حق و سبقت سازد و حاجت و هر مهم که دارد برودی میسر شود و حق تعالی آن بنده را حیات دل روزی کند و باطن و پیرا عمارات فرماید از برکت و بزرگی این بزرگان دین حق سبحانه و تعالی همه مهمات وی کفایت کند و همه اعراض وی بحاصل گرداند و همه مهمات را بحاصل گردد و همه حاجتها روا شود و این مناجات کن فیکن گفته اند هرک شک آورد نعوذ بالله کافر گردد .

افسی القضاة احمد صفانه می گوید رحمت الله علیه که در ورطه هلاکت افتاده بودم این مناجات را باعتقاد درست بر زبان راندم مظفر و منصور شدم بر اعدا از بزرگی و عظمت این مناجات اینست .

در آخر مناجات حرمت اسما ، انبیا علیهم السلام ، ال یاسین مسادات ، اولاد علی (رض) اسما ، مشایخ حتی اسما ، ادبا یاد شده است و اینک نام های همین دو دسته اخیر را نقل میکنیم ، اسامی مشایخ کبار ، اویس قرنی ، صیب رومی ، و حنیفه کوفی شافعی مطلق ، بو یوسف قاضی ، محمد حسن ، زفر سجایی ، بو مسلم بخاری ، بو عبید جراح ، بو مسلم مرغزی ، بو الحسن فدوری ، معروفی کرخ ، ابراهیم ادهم ، شفیق بلخی ، بشر جافی ، با یوید بسطامی ، جنید بغدادی ، بو بکر شبلی ، سفیان ثوری ، حسن بصری ، ذاننون مصری ، فتح موصلی ، حبیب عجمی ، حسین منصور ، سدید ستملی ، صالح مری ، داود طای ، حاتم اصم ، ربیع ختیم ، سعید جبیر ، بو الحسن نوری ، بو الحسن خرقانی ، جعفر درهندوانی ، بو بکر سبکت ، سعد و قاس کابو بکر و زراق طال ابراهیم خواص ، بو علی دقاق ، محمد علی حکیم نرملی ، حسین فضیل عباس ، معاد رازی ، بو بکر واسطی ، بو تراب نخشی ، بو بکر کتابی ، بو بکر داندقانی ، حرم حبان ، فضیل عباس ، علیان محنون ، یوسف اسباط ، عتبه للفلام ، خواجه فرزوق ، احمد خضوری ، احمد ندیم ، حسین زنجانی ، بو بکر پیش نماز بروانچی ، علی رو بکر ، محمد سیاه ، حسن عزال ، عمر کججواری ، عبدالصمد ، کابلی ، بو بکر کرمانی ، قاضی وحش ، بولیت سمرقندی ، بو بکر غازی ، شداد حکیم ، بو الخیر همدانی ، عبدالله مبارک ، محمود سبکتکین ، ابراهیم رضی ، محمد حدادی ، یوسف لجامی ، عبدالسلام رضوان ، یونس سکاوندی ، علی هجویری ، سلیمان خلجی ، یوسف حدادی ، عبدالملک زاهد ، مظفر الیاس ، سعید .

اسامی ادبا ، محمد هروی ، حسین هروی ، منصور هروی ، عمر هروی ، احمد هروی ، عثمان هروی ، عبدالله هروی ، علی هروی .

نمونه پنجم نثر از صفحه ۹۷ از متن رساله مناجات کن فیکن :

« پیغمبر گفت صلی الله علیه وسلم هرک این نماز نکند خدای عزوجل فرمان دهد تا از آن روز که این بنده این نماز کرده باشد تا آن روز که ببرد هر روز هزار نیکی

اندر نماز این بنده بنویسند و بدیها پاک می کنند و بدهد خدای عزوجل بهر آنی که بتواند باشد شارستانی اندر بهشت از یا قوت سرخ (۱) و بدهد خدای عزوجل مرورا بر حرفی گوشگی اندر بهشت از مروارید سبید خدای عزوجل حوران بهشت را جفت او که رداند و خدای عزوجل از وی خوشنود شود چنانکه هرگز ناخشنود نشود و نام این بنده از عابدان نویسند و سعادتش روزی کنند و وی را بیامرزد و فرمان دهد تا از برای وی بنویسند بهر رکعتی ثواب بنجاه مزار سال نیکی و هزار تاج کرامت بر سر وی آید .



تعویذ خواجه امام زاهد یونس سکاوندی رحمه الله علیه، از (صفحه ۱۱۱ تا صفحه ۱۲۰) برای دردهای ذی-بل، درد شقیقه، درد گوش، درد چشم، درد دستان، درد پای، درد استخوان، تعویذ برای باد، برای خلاصی از دست ظالم و غیره .



اسناد دعا و بلاء از (صفحه ۱۲۲ تا صفحه ۱۳۱) .

نمونه ششم نیز از صفحه ۱۲۲ مربوط این حصه :

« در شهر سمرقند و با افتاده بود دور از شهرهای مسلمانان در مدت دو ماه شست (۲) هزار جنازه از آن شهر بیرون بردند امامی بود در آن شهر و را برسیدند که تقدیر گرفته اند که در مدت دو ماه شست هزار جنازه از این شهر بیرون بردند چگونگی بود که گرد خانه تو نکشت آن امام گفت دعایست که سید سنی الله علیه و سلم گفتست هر که هفت بار این دعا را بخواند و با کرد خانه او نکند در هفت روز هفت بار این دعا بخوانم هر که این دعا و با کرد خانه من نکند دعا اینست .

در اخیر بعد از اسمای بیغمر و بعض فرشتگان و حرمت بزرگان و مشایخ شفیع آورده شده و اسمای متذکره قرار آتی است :

خواجه امام غالب بر انصاری، خواجه امام خطیب بگری، خواجه امام عادل شادان خواجه امام احمد بن صالح بغدادی، امام عزید بن صالح، خواجه امام محمد بن احمد الجلاذی، خواجه امام حسین بن خلف خواجه امام عبدالرحمن سفری، خواجه امام عبدالکریم سندی، خواجه امام ابوبکر شاه آبادی، خواجه امام ابوبکر خباط، خواجه امام ابوالعالی، خواجه امام محمد صراف، خواجه امام محمد الجرجانی، خواجه امام محمد الصفاری، خواجه امام محمد عارف آبادی، خواجه امام ابو نصر، خواجه امام ابوالفتح خواجه امام سعید، خواجه امام ابوبکر نوآبادی، خواجه امام ابو سعید سگزی، خواجه حسن خرقانی، خواجه امام عمر عزالدین، خواجه حسن بصری، خواجه امام ابو حنیفه، حبیب حبشی، خواجه امام معروف کرخی، خواجه امام ذالنون مصری، خواجه امام شقیق باغی، خواجه امام بایزید بستانی، خواجه امام فضل عیاض، خواجه امام اویس قرنی، خواجه امام سدید سقطی، خواجه امام جنید بغدادی، خواجه امام ابن سیرین، خواجه امام ابوبکر شبلی، خواجه امام حسین منصور حلاج، خواجه امام ملک دینار، خواجه امام عبدالسلام

(۱) : کشفی متن .

(۲) : کشفی اصل .

بن رضوان ، خواجه امام عبدالله بن یعقوب ، خواجه امام یعقوب ، خواجه امام ابو نصر
بن محمد خواجه امام ابو القاسم بن طاهر ، خواجه امام محمد بن سامة المقرئ ، خواجه
امام یعقوب الصغانی ، خواجه امام المسافر بن شیب ، خواجه امام ابو القاسم بن خطیب ،
خواجه امام سعید بن عقیل ، لعلوی ، خواجه امام عبدالرحمن ، خواجه امام یوسف ادیب ،
خواجه امام ابو بکر بلخی ، خواجه امام سلیمان خلجی ، خواجه امام زاهد ، خواجه امام یونس
سجاوندی ، خواجه امام احمد بن طویلی ، خواجه امام سلیمان هر وی ، خواجه امام
قصوری کردیزی ، خواجه امام ابو بکر درباران ، خواجه امام شبیهه ، خواجه امام حدادی
خواجه امام معروف کرخی ، خواجه امام عبدالله مبارک ، خواجه امام جعفر صوفی خواجه
امام ابو بکر خمش ، سلطان عادل محمود سبکتگین .

* * *

حساب سال کشتن و بعض دعاها و یاد داشت های دیگر ، (از صفحه ۱۲۲ تا صفحه
۱۲۲) نمونه هفتم نثر از صفحه ۱۳۹ و ۱۴۰ که بطور حکایت اصلا از روی کدام ماخذ
دیگر نقل شده چنانچه عین همین حکایت در ورقه مجزی بقطع کوچکتر در میان اوراق
کتاب نهاده شده و موجود است متن حکایت : «چنین گویند که در روز کنار هارون الرشید
سه حکیم بودند یکی را ابو الوفای یوزگانی گفتندی و دیگری را ابو جعفر خازن
و سه یگر را ابو معشر بلخی از پیش او کتابها ساختند و درست کردند و هر چیزی
که ایشان بساختندی با بصیرت آمدی پس امیرالمومنین گفت مرایشان را که از جهت
من چیزی بسازید که من از حال بیماران بدانم و مرا ازین هر سه استادز مانه بنشستند
و با یکدیگر مشورت کردند چنین گویند که به پنج سال در اندیشه و تفکر آن بودند
امیرالمومنین درین پنج سال پنج هزار دیناری نیشابوری در وجه ایشان صرف کرد پس
ازین هر سه استاد بزرگ و حکیمان زمانه بحساب بیرون آوردند و دو لوح
بساختند یکی لوح الحیات و یکی لوح الممات چون خواهد کسی که ازین
علم کنند چنان باید که نام بشکر یابی و نام مادر او بیرسی و پس انرا بحساب جمل جمله
کن و بس بیرس که چند روز است که بیمار شدست ان روز هارا بدین بر افزای و اگر
بیمار دیرینه شده باشد جهل بدان برافزاید و از زمانه چند گذشته باشد ، برافزاید چون
این همه جمله کردی بیست روز دیگر بدان برافزاید و پس از جمله سی کان سی کان
برود آنچه کم از سی مانند بشکر تا در کدام لوح یابی اگر در لوح زندگانی یابی
شفا باشد و اگر در لوح مرگ یابی بمیرد دل درو نباید بست و چون بساختند پیش امیر
المومنین نهادند امیرالمومنین را نیک خوش آمد هر یک از ایشانرا پنج هزار دینار صله
داد و بفرمود تا این نسخه را در درج زرین نهادند بخرزینه امیرالمومنین بردند چون
هر گاه کسی نالنده شدی زودان لوح بخواستی و از ان درج بیرون گرفتندی و در ان
لوح ها بشکرستی اگر در لوح زندگانی یافتی شادمان شدی و اگر در لوح مرگ یافتی
جهاز انکس بساختی و درست هم چنان بودی و این نسخه در خزینه او بود تا زنده بود
کسی این را ندیده بود چون او وفات کرد این نسخه ظاهر شد عذیبست که در دست
بسیار کس نیابی و این را بس عزیز باید داشت و بنست هر کس نباید داد و بناشایست نباید نمود»
این بود شرح محتویات قسمت اول فالنامه و حالا میخواهم چند سطر ی در اطراف
روش خط و ممیزات رسم الخط ان بنویسم . در یکی از حصص جزو قسمت اول در سر
واخر رساله مناجات کن فیکون اسم کاتب و سال کتابت تحریر است که در مقاله اول

و اینجا شرحی دران موارد نوشته شده . ایا دولتشاه تولکی کتاب رساله سائر حصص قسمت اول فالنامه را هم نوشته ؟ از روی شباهت خط به این سوال جواب مثبت میتوان داد و چون کتاب خودش را مالک کتاب هم خوانده و مطابق ذوق و احتیاج خود پارچه های مختلف را استنساخ می نمود و پارچه هایی که در قسمت اول فالنامه گنجانیده شده عموماً از روی خط یکدست میباشد پس حکم میتوان کرد که همه قسمت اول کتاب بدست دولت شاه مند کور در حوالی همان سال های (۶۰۶) و (۶۱۱) هجری قمری تحریر شده . طوری که در مقاله اول به ملاحظه رسانیده شده میان دو قسمت اول و دوم کتاب فالنامه از نقطه نظر روش و ممیزات خط فرق زیاد است و یکی از علل عمده تمیز دو حصه کتاب خط و ممیزات آن میباشد. خط قسمت اول فالنامه را در متاله گذشته بعد از مقایسه باشبوه خط نسخه (حص) کتاب التفهیم به استناد نظریات آقای جلال معانی شارح کتاب مذکور تلمی خوا ندیم که بعقیده ایشان در فروع ۴ و ۵ معمول بود درین مقایسه فقط در یک چیز موافقت میان خط دو کتاب موجود نیست و آن صرف (د) است که در این قسمت فالنامه بصورت (دال های) فارسی نوشته شده و در نسخه (حص) التفهیم بصورت ذال معجمه آمده

بقیه ممیزات رسم الخط این قسمت قرار آتی است :

(۱) (پ) و (ج) همه جا به یک نقطه نوشته شده .

(۲) (ک) فارسی همه جا با یک سر کش تحریر شده .

(۳) کلمه (سرخ) با (ص) نوشته شده مثال ص ۹۲ (یا قوه صرخ) در نسخه (حد) التفهیم

این کلمه با (س) و (ص) نوشته شد .

(۴) عدد (شصت) با (س) نوشته شده مثال ص ۱۲۳ (شست هزار جنازه) در نسخه (حد)

التفهیم این کلمه به دو صورت با (س) و (ص) تحریر شده .

(۵) سخن که امروز معمولاً بدون (واو) نوشته میشود با (واو) تحریر شده مثال ص ۱۰۰

(هر کس سخون نسکوید)

(۶) کلمه امید با (واو) بصورت (او مید) تحریر شده مثال ص ۵۴ (او مید وار ترین

چیزها مراست مرا ..)

(۷) هرک بجای هر که ، مثال ص ۵۵ (بجز من که هرک مرا بخواند) .

(۸) هر ج بجای هر چه ، مثال ص ۵۵ (و هر ج بخواند روا باشد) .

(۹) انک بجای آنکه ، مثال ص ۹۴ (پیش از انک نماز پیشین کنند) این بود بعض

ممیزات برجسته متن قسمت اول فالنامه از نقطه نظر املا و رسم الخط . اگر چه تاریخ تحریر آن

به سال های اول قرن هفتم مربوط است معذالك اكثر مشخصات سبك نثر دوره اول زبان

فارسی یعنی ایجاز و اختصار ، عدم سجع و موازنه ، تکرار الفاظ و افعال و حتی جمله ، کمی لغات

تازی با اینکه موضوع بیشتر با امور مذهبی ارتباط دارد . استعمال قید ظرف (اندر)

بجای (در) ، استعمال لغات کهنه فارسی از قبیل : خواسته ، کشاورزی . با ازگان ، استدن ،

شکنب ، شادمانه ، جاشتگاه ، دیوان ، شارستان ، فشارش (بجای فشار) ، گوشك ، روز

ادینه ، پیشین ، دیگر ، خفتن ، شایست و ناشایست ، آب دست ، نبشته ، روزی مند ، و غیره .

مطالعه ما عیانتاً در اطراف قسمت اول فالنامه به اینجا منتهی میشود در شماره آینده در

اطراف قسمت دوم فالنامه و رسائل مربوطه آن شرحی خواهیم نوشت . (باقیدارد)

(احمد علی کسپزاد)